

عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، الگوها و عوامل

یک مطالعه عرضی - ملی

دکتر ابراهیم خدایی*

حسین اکبری**

چکیده

انجمن‌های داوطلبانه استخوان‌بندی جامعه مدنی و استقرار حاکمیت مردم و میانجی بین دولت و ملت هستند و نقش عمده‌ای در شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه دارند. این انجمن‌ها با توجه به ماهیت داوطلبانه بودن خود، میزان اراده‌گرایی و میل به مشارکت در میان شهروندان یک جامعه را نشان می‌دهند. میزان عضویت در این انجمن‌ها در جوامع مختلف متفاوت است و عوامل مختلفی بر عضویت شهروندان در این انجمن‌ها مؤثرند. مطالعه حاضر با روشی تطبیقی به بررسی الگوهای عضویت افراد در انجمن‌های داوطلبانه در میان ۶۰ کشور دنیا پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد کشورهای اسکانندیناوی دارای بیشترین میزان عضویت انجمنی هستند و کشور ترکیه و کشورهای دارای سابقه حاکمیت کمونیسم، کمترین میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه را دارند. هر چند الگوی عضویت در انجمن‌های مختلف در کشورها متفاوت است. بررسی عوامل مؤثر بر عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان داد که مردها، جوان‌ترها، افراد تحصیل کرده، شاغل و دارای درآمد بالاتر، بیشتر احتمال دارد که در انجمن‌های داوطلبانه عضو شوند. اعتماد اجتماعی به عنوان مؤثرترین متغیر است که احتمال عضویت انجمنی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین حضور در مناسک مذهبی، نگرش مثبت به دموکراسی و داشتن ارزش‌های پسامدرنیسم می‌تواند احتمال عضویت انجمنی را افزایش دهد. نتایج یک تحلیل حساس نشان داد، عوامل بررسی شده آثار متفاوتی بر عضویت در انجمن‌های مختلف دارند.

واژگان کلیدی: انجمن‌های داوطلبانه، الگوهای عضویت انجمنی، مطالعه تطبیقی، رگرسیون لجستیک، تحلیل خوشه

* استادیار سازمان سنجش و آموزش کشور

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

مشارکت افراد در زندگی اجتماعی و کنش همکارانه آنها، پایه‌های ایجاد جامعه و استقرار نظم اجتماعی است. این مشارکت و همکاری جمعی به طرق مختلف می‌تواند در جامعه نمود پیدا می‌کند. یکی از روش‌های ملاحظه پتانسیل کنش و همکاری جمعی نهادینه شده در یک جامعه از طریق نسبت شهروندانی است که عضو انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی هستند (Prakas hand Selle, 2003:5) (پارکاس هند، ۲۰۰۳: ۵).

از زمان توصیف کلاسیک توکویل از زندگی دموکراتیک، فرض شده که مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه برای کارکرد یک نظام سیاسی دموکراتیک حیاتی است (هوگه، ۲۰۰۳: ۴۹) در دولت - ملت اخیر، انجمن‌های داوطلبانه جزء مهمی هستند که بین افراد و محیط اجتماعی وسیع تر میانجی می‌شوند (اسکوفر، ۲۰۰۱، ۸۰۶) این انجمن‌ها به عنوان سازندگان اصلی جامعه مدنی، فضایی را ایجاد می‌کنند که افراد می‌توانند در آن با روش‌ها و قواعد تنظیم شده به کنش جمعی و تأثیرگذاری بر روندهای اجتماعی و سیاسی بپردازند.

داده‌های حاصل از تحقیقات مختلف نشان داده است که مردم کشورهای مختلف به وضوح در سطح مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه متفاوت هستند و این تفاوت‌ها در طول زمان ثابت باقی مانده است (همان: ۸۰۷). هر چند مطالعات نشان داده است که میزان عضویت در این انجمن‌ها در طی دهه‌های اخیر افزایش یافته است. این در حالی است که الگوهای عضویت در کشورهای مختلف متفاوت است. مطالعه حاضر سعی نموده است تا با ارائه مدارکی تجربی به بررسی الگوهای عضویت در انجمن‌های داوطلبانه و عوامل موثر بر عضویت یا عدم عضویت افراد در این انجمن‌ها در میان کشورهای مختلف بپردازد.

عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، مفاهیم و دیدگاه‌ها

انجمن‌های داوطلبانه دارای دامنه وسیعی هستند. وسیع‌ترین آنها انجمن‌های بین‌المللی است که اغلب سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی (INGOs) نامیده می‌شوند. پس از آنها انجمن‌های ملی قرار دارند که فعالیت آنها در سطح ملی است. نوع کوچک‌تر انجمن‌ها در سطوح مختلف در درون یک کشور فعالیت می‌کنند که در حقیقت منطقه حائل بین دولت و ملت را به عنوان میانجی پر کرده و استخوان‌بندی جامعه مدنی را در یک کشور تشکیل می‌دهند.

اسمیت (اسمیت، ۲۰۰۰) تفاوت انجمن‌های داوطلبانه از حکومت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و خانواده‌ها را حضور اساسی دگرخواهی داوطلبانه^۱ می‌داند. به عقیده او انجمن‌های داوطلبانه با دارا بودن شکل انجمنی از سازمان، که شامل عضویت داوطلبانه، رهبران انتخاب شده و تعیین اولویت‌ها بر اساس اجماع جمعی

است، از دیگر سازمان‌ها متفاوت هستند (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۹۵) سازمان‌های داوطلبانه، کلوپ‌ها، انجمن‌های ثانویه واسط، گروه‌های اجتماعی و به طور کلی فعالیت‌های داوطلبانه و همکارانه سازمان یافته جزء این انجمن‌ها و سازمان‌ها هستند (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۶). بنابراین در جامعه مدنی مردم از طریق انجمن‌های مختلف با یکدیگر تعامل می‌نمایند. این انجمن‌ها باید هم داوطلبانه و هم برابر باشند (اونیکس و بولن، ۲۰۰۰).

چلبی، عضویت در انجمن‌های داوطلبانه را یک امکان گروهی برای رشد شخصیت مدرن می‌داند که به فرد امکان تشکیل گروهی به صورت داوطلبانه و عضویت داوطلبانه در گروه به منظور شرکت در فعالیت‌های اجتماعی داوطلبانه مختلف را می‌دهد. به عقیده او عضویت در این انجمن‌های داوطلبانه به صورت آزادانه انجام می‌شود. چون انجمن‌های داوطلبانه یک سازمان غیرانتفاعی هستند، عضویت در آنها نه تنها حاوی نوعی مستمری و حقوق مادی نیست، بلکه پرداخت حق عضویت معمولاً یکی از شرایط عمومی عضویت در این گروه‌ها است. در این نوع انجمن‌ها روابط متقارن گرم کم و بیش حاکم‌اند، شیوه تنظیم آنها عمدتاً بر اساس مجاب‌سازی و تعهد استوار است و نه بر اساس شیوه تحریک و اجبار. او به طور خلاصه ویژگی‌های زیر را برای انجمن‌های داوطلبانه بیان می‌کند:

۱. ارادی بودن عضویت و داوطلبانه بودن فعالیت در آنها
۲. وجود نوعی گرمی روابط در آنها
۳. غیر انتفاعی بودن
۴. مجاب‌سازی به عنوان اصل محوری تنظیم روابط
- ۵- رعایت اصل سازماندهی رسمی (چلبی ۱۳۷۵: ۲۴۱-۲۴۲).

عضویت در انجمن‌های داوطلبانه و سرمایه اجتماعی

ارتباط اجتماعی و درگیری مدنی افراد در مقولاتی از قبیل انجمن‌ها، به عنوان یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. زیرا آنها از طریق دامنه وسیعی از تماس‌های فردی، ظرفیتی را ایجاد می‌کنند که در بهبود و کارایی کارکرد زندگی اجتماعی - سیاسی افراد نقش اساسی دارد (فریتگ، ۲۰۰۳: ۹۳۷).

والترز^۱ معتقد است: جوامعی از نظر سرمایه اجتماعی غنی هستند که دارای شبکه‌های متراکم اجتماعی و فرهنگ‌های انجمنی - به ویژه انجمن‌های داوطلبانه - باشند که این امر در گروه‌های محلی، ورزشی، مذهبی، فعالیت‌های همسایگی و ... آشکار است (والترز، ۲۰۰۲: ۳۷۹).

بر همین اساس پکستون^۲ زندگی انجمنی قوی را با مفهوم سرمایه اجتماعی عملیاتی کرده است (پاکستون، ۲۰۰۲: ۲۵۶). همچنین در تعریف سرمایه اجتماعی که دانشمندان سیاسی از قبیل پوتنام

1- Walters

2- Paxton

پذیرفته‌اند، سرمایه اجتماعی با سطوح متراکمی از مدنیت^۱ از قبیل مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه یکسان فرض شده است. هر چند پوتنام بحث می‌کند که به طور واقعی موضوع از نقطه نظر سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی، تنها عضویت رسمی نیست، بلکه عضویت فعال و گسترده است (هوگه، ۲۰۰۳: ۵۲).

مشارکت انجمنی از دیدگاه سرمایه اجتماعی مهم است، زیرا از یک سو مشارکت انجمنی یک معرف ساختاری برای سرمایه اجتماعی است. انجمن‌ها مکان مناسبی برای همکاری مکرر و تسهیل اطلاعات هستند. بنابراین، انجمن‌ها منابعی برای کنش هستند. به طور خلاصه انجمن‌ها شبکه‌های اجتماعی تولید می‌کنند که دامنه‌ای از پیوندهای ضعیف در میان شهروندانی که به طریق دیگر تعامل نمی‌کردند، را بسط می‌دهند. از سوی دیگر، انجمن‌های داوطلبانه باعث افزایش اعتماد اجتماعی و دیگر هنجارهای عمل متقابل می‌شوند. ظاهراً به دلیل آثار خارجی کنش متقابل با دیگر مردم قابل اعتماد و به علت تجارب مثبت همکاری و تعامل رودرو، انجمن‌ها همکاری، بده بستان و اعتماد را از طریق خلق شبکه‌های اجتماعی که فراسوی چرخه‌های آشنایی است، افزایش می‌دهند (اولزان، ۲۰۰۲: ۹).

انواع انجمن‌های داوطلبانه

انجمن‌های داوطلبانه دارای انواع مختلفی هستند و با توجه به ویژگی‌های ساختاری یا کارکردی‌شان می‌توان تقسیم‌بندی‌های مختلفی انجام داد.

پوتنام با اشاره به دو نوع روابط میان افراد دو نوع سرمایه اجتماعی را مشخص می‌کند که می‌توانند پایه‌ای برای دو نوع عضویت انجمنی باشند: روابط پیوندی^۲ و روابط اتصالی^۳. روابط پیوندی، روابطی انحصاری و درون گروهی هستند و روابط اتصالی دربرگیرنده و بین گروهی هستند (لارسون و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۵-۶۶ و یونگ، ۲۰۰۴: ۴۰۴).

روابط پیوندی دارای نگاه به درون هستند و به تقویت هویت‌های انحصاری و گروه‌های متجانس تمایل دارند. این روابط مشخص مرز و محدودیت رابطه دارند و می‌توانند ایجاد روابط وسیعتر، همکاری و ائتلافی که پایه جامعه مدنی است را محدود نمایند (پراکاش و سله، ۲۰۰۳: ۳). انجمن‌های مذهبی، سازمان‌های دوستانه قوی و کلوب‌های محلی نوع پیوندی را منعکس می‌کنند. این روابط روی اصولی متکی هستند که در آن تماس بین مردمی که دارای شباهت هستند بیشتر از افرادی که مشابه نیستند، رخ می‌دهد (ورسینگر و سالیپنت، ۲۰۰۵: ۳۳).

در مطالعه بریجس^۴ (۲۰۰۳) روابط اتصالی، شبکه‌های غیررسمی، انجمن‌های رسمی و دیگر ارتباطات در میان افراد یا گروه‌های از نظر اجتماعی نامتشابه را در بر می‌گیرد (همان: ۳۳).

1- Civiness

2- Bonding

3- Bridging

4- Briggs

بر همین سیاق پکستون انجمن‌ها را به دو دسته، انجمن‌های پیوسته^۱ به جامعه و انجمن‌های جدا^۲ از جامعه تقسیم می‌کند. به عقیده او انجمن‌های پیوسته، انجمن‌هایی هستند که با دیگر انجمن‌ها و اجتماع وسیع‌تر مرتبط شده‌اند. این انجمن‌ها باید مرزهای اجتماعی را در نوردند، بردباری اعضا را از طریق تماس با افراد مختلف افزایش دهند و مانع ایجاد دسته‌هایی از شبکه‌های منفصل شوند. در مقابل انجمن‌های جدا شده می‌توانند رفتار متمایل به درون را تشدید نمایند، مواجهه با ایده‌های جدید را کاهش دهند و شکاف‌های اجتماعی موجود را سخت‌تر نمایند (پاکستون، ۲۰۰۲: ۲۵) او با بررسی دو نوع انجمن، معتقد است که انجمن‌هایی که اعضایشان پیوندهای بیشتری با دیگر انجمن‌ها دارند، احتمال دارد بیشتر مرزهای اجتماعی را قطع نمایند و تماس با دیگر افراد را تقویت نمایند (همان: ۳۰) شفر و همکاران در مطالعه خود انجمن‌ها را به دو دسته تقسیم نمودند؛ جنبش‌های اجتماعی جدید و جنبش‌های اجتماعی قدیمی. جنبشهای اجتماعی قدیمی شامل انجمن‌هایی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، انجمن‌های سیاسی و انجمن‌های حرفه‌ای و جنبش‌های اجتماعی جدید شامل انجمن‌هایی از قبیل انجمن‌های زیست محیطی، سازمان‌های زنان و سازمان‌های صلح است (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۱۶).

فریتهیچ پنج نوع از انجمن‌های داوطلبانه را در کنار خود مشخص می‌کند، انجمن‌های سیاسی (گروه‌های سیاسی و انجمن‌های زیست محیطی)، انجمن‌های اقتصادی (اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های حرفه‌ای)، انجمن‌های فرهنگی (کلیسا و مذهبی، سازمان‌های هنری، موسیقی و تحصیلی)، سازمان‌های اجتماعی (سازمان خیریه و رفاهی) و سازمان‌های منافع فردی (سازمان‌های ورزشی و تفریحی) (فریتهیچ، ۲۰۰۳: ۹۴۶).

عوامل موثر بر عضویت در انجمن‌های داوطلبانه

پژوهشگران علاقه‌مند به درک این مسئله هستند که چرا و چگونه بعضی افراد در انجمن‌های داوطلبانه مشارکت می‌کنند، اما دیگران مشارکت نمی‌کنند (ملیسا، ۲۰۰۲: ۲۲۷).

عوامل متعددی در گرایش افراد به عضویت در انجمن‌های داوطلبانه وجود دارد که این عوامل با توجه به نوع انجمن و در جوامع مختلف، متفاوت است. اما به طور کلی در زمینه عوامل مؤثر بر عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌توان چند دسته دیدگاه‌ها را بررسی کرد.

۱- سیستم‌های ارزشی

بسیاری از محققان مانند آلموند و وربا (۱۹۶۳) و اینگلهارت (۱۹۹۷-۱۹۹۹) تغییرات در مشارکت مدنی را به سیستم‌های ارزشی متفاوت درونی شده اعضا هر جامعه نسبت می‌دهند (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۰۷) به طور کلی فرهنگ می‌تواند حاوی ارزش‌هایی باشد که از عضویت انجمنی طرفداری نماید

1- Connected

2- Isolated

یا مانع آن شود (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۹۸) اینگلهارت با برتری دادن به نگرش‌ها معتقد است که سیاست‌های جوامع مختلف با جهت‌گیری‌های فرهنگی بادوام که نتایج سیاسی و اقتصادی اساسی دارند، مشخص می‌شود (براتون، ۱۹۹۹: ۵۵۱).

تبیین‌های مبتنی بر تأثیر ارزش‌ها بر عضویت انجمنی، ریشه در احیاء رهیافت پارسنزی دهه ۱۹۵۰ دارد که در آن فرهنگ سیاسی با ارزش‌های به طور ذهنی درونی شده، یکسان دانسته شده است. این ارزش‌ها به طور تحلیلی جدا از ساختارها و نهادهای سیاسی هستند. در این چارچوب جهت‌گیری ارزشی، رفتار را تعیین می‌کند و بنابراین انجمن‌های داوطلبانه به عنوان نتیجه کنش‌های افراد مختلفی که دارای نگرش‌ها و خصوصیات مشابه هستند، در نظر گرفته شده است (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۱۰).

تبیین‌های نهایی مشخص کرده‌اند که این نظام‌های ارزشی ممکن است ریشه در ساختارهای ایدئولوژیکی و نهادهای وسیع‌تر داشته باشند. این تبیین‌ها معمولاً تأکید می‌کنند که چگونه ساختارهایی در سطح خرد، برای تولید رفتارها و نگرش‌هایی میانجی می‌شوند که منجر به شکل‌گیری انجمن‌های داوطلبانه و در نهایت به شکوفایی نهادهای دموکراتیک منجر می‌شوند (همان: ۸۰۷).

۲- چارچوب‌های فرهنگی نهادینه شده

شفر و همکاران (همان) با اخذ یک دیدگاه نونهادگرایی استدلال می‌کنند که رفتارهای فردی با چارچوب‌های فرهنگی نهادینه شده، ایجاد شده‌اند. این چارچوب‌ها ریشه در تاریخ‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی کشورها دارند و در سطوح سازمانی و شناختی عمل می‌کنند. آنها بسط نظام‌های ملی از قواعد و نهادها را شکل می‌دهند. این چارچوب‌های فرهنگی نوشته‌های شناختی هستند که در سنت‌های نهادی دارای قدمت و چارچوب‌های سازمانی قرار دارند که رفتارها و اعمال اجتماعی را شکل می‌دهند، رفتار و اعمالی که مشروع و حتی قابل تفکر پنداشته می‌شود. در این روش چارچوب‌های فرهنگی از این افراد و گروه‌ها ساخته شده‌اند (همان: ۸۱۰).

افرادی مانند چپرسون، مایر (۱۹۸۳، ۱۹۹۱)، بیربام (۱۹۸۸)، دی سون (۱۹۸۰) شیمیتز (۱۹۷۴) بحث می‌کنند که الگوهای نهادینه شده حاکمیت و سازمان سیاسی - که چپرسون آن را درجه دولت‌گرایی و درجه یگانگی نامیده - با الگوهای متمایز مشارکت مدنی مرتبط هستند. مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه به سادگی از گروه‌های اجتماعی از پیش موجود یا از خصوصیات فردی متراکم شده به وجود نمی‌آید، بلکه بیشتر ابعاد فرهنگی و سازمانی نهادهای سیاسی - در اندازه وسیعی، ساخته خود گروه‌ها و فعالیت‌های مدنی اعضا درگیر - آن را ساخته است (همان، ۸۰۷).

در این دیدگاه درجه دولت‌گرایی باید آثار بنیادین روی الگوهای فعالیت مدنی داشته باشد. دولت‌گرایی بالا سیاست‌ها، مدل‌ها و نهادهایی ایجاد می‌کند که مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه را به عنوان یک روش مشروع و مؤثر کنش سیاسی رد می‌نماید و اقتدار تصمیم‌گیری را در دستان دولت متمرکز می‌نماید. درجات پایین‌تر دولت‌گرایی دارای مرزبندی انعطاف‌پذیرتر بین حوزه‌های خصوصی و

عمومی هستند که اجازه می‌دهند تا کنش‌های خصوصی در زمینه عمومی مشروعیت بیشتری داشته باشد (همان: ۸۱۳).

۳- پیوستگی اجتماعی

طیف وسیعی از تئوری‌های مشارکت به این نکته پرداخته‌اند که محیط اجتماعی بر درگیری افراد در زندگی اجتماعی و سیاسی اثر می‌گذارد. چندین محقق رابطه بین پیوستگی اجتماعی یا پیوندهای همسایگی و مشارکت سیاسی را بررسی کرده‌اند (ملیسا، ۲۰۰۱: ۲۳۲) بوردیو معتقد است که اگر افراد پیوندهای اجتماعی قوی داشته باشند، بیشتر احتمال دارد با یکدیگر کنش جمعی انجام دهند (لارسون و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۴).

پیوستگی اجتماعی یک اصطلاح قدیمی است که اشاره به حضور یک شبکه متراکم از پیوندهای اجتماعی در میان مردم در یک گروه یا سرزمین دارد. افرادی که به طور اجتماعی تر و غیر رسمی تر به اجتماع خود پیوند خورده‌اند، بیشتر احتمال دارد که تمایل به مشارکت با یکدیگر در سازمان‌های رسمی و غیررسمی داشته باشند. پیوستگی اجتماعی بالا افراد را در فعالیت بین شخصی غیررسمی، فعالیت دوستانه و همسایگی بیشتر درگیر می‌کند که این امر تمایل به عضویت انجمنی به ویژه در سطح محلی را افزایش می‌دهد. السون و همکاران (۱۹۸۹) به این نکته دست یافتند که پیوستگی همسایگی بیشتر، در شکل فعالیت بین شخصی، منجر به مشارکت بیشتر در انجمن‌های داوطلبانه محلی می‌شود (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۱۰۸).

۴- دموکراتیزه شدن

انجمن‌ها هنگامی می‌توانند موجودیت یابند که حکومت اجازه موجودیت به آنها بدهد. به دلیل اینکه رژیم‌های غیردموکراتیک اغلب به طور فعال مخالف تشکیل انجمن‌ها هستند، حکومت‌های دموکراتیک باید فرصت بیشتری برای ایجاد انجمن‌هایی که قبلاً وجود نداشتند، فراهم آورند. دموکراتیزه شدن باید مهارت‌ها و نظارت‌های رژیم را کاهش دهد؛ در حالی که تنوعی از آزادی‌های مدنی را ایجاد می‌نماید (پاکستون، ۲۰۰۲: ۲۵۹-۲۶۰) آزادی‌های مدنی مرتبط با انجمن‌ها از قبیل آزادی انجمن، آزادی اختلاف عقیده مسالمت آمیز، آزادی مذهبی، آزادی اتحادیه‌های کارگری، آزادی احزاب سیاسی و غیره در گرایش به عضویت در انجمن‌ها اساسی هستند. همان گونه که وربا و همکاران (۱۹۹۵) اشاره می‌کنند، به دلیل اینکه انجمن‌ها اغلب در حوزه عمومی قرار دارند، آزادی بیان و مطبوعات در ارتقاء فعالیت انجمنی مؤثر است. در یک دموکراسی خوب ایجاد شده، شکل‌گیری و رشد انجمن‌ها تشویق می‌شود. زیرا آنها وسایلی هستند که اعضایشان، به ویژه اعضاء فعال، می‌توانند بعضی اهداف سیاسی را تعقیب نمایند (اسمیت، ۲۰۰۲: ۸۱۶).

۵- مدرنيزاسيون

ایده‌ای که توسعه ملی، نهادها و رفتارهای دموکراتیک را ارتقاء می‌بخشد به تئوری مدرنیزاسیون بر می‌گردد (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۱۶) مجموعه‌ای از متغیرهای مدرنیزاسیون روی عضویت انجمنی در روش‌های مختلف و نه یک روش ساده، اثر می‌گذارند (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۱۰۱) مدرنیزاسیون از یک سو با افزایش ثروت جامعه، منابع مورد نیاز در حمایت از انجمن‌ها را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر مدرنیزاسیون با آموزش بالاتر، زمان فراغت بیشتر و دیگر خصوصیات سطح فردی که ممکن است عضویت انجمنی را افزایش دهد، مرتبط است. به عقیده اینگلهارت (۱۹۹۰، ۱۹۹۷) هنگامی که جوامع صنعتی شدند، افراد تحصیلات بیشتری کسب می‌کنند و ثروتمندتر می‌شوند. بنابراین، بر ارزش‌های فرامادی رفاه، بردباری و اعتماد تأکید می‌کنند که این به نوبه خود از توسعه انجمن‌ها و دیگر نهادهای دموکراتیک حمایت می‌کند (اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۱۶-۸۰۸).

از سوی دیگر مشاغل خدماتی و صنعتی در جوامع مدرن، عضویت انجمنی را با تفکیک شغلی بیشتر تقویت می‌کنند. این تفکیک شغلی باعث تفکیک علائق و اهداف می‌شود که این به نوبه خود هسته شکل‌گیری انجمن‌ها به ویژه اتحادیه‌ها، انجمن‌های تجاری، انجمن‌های حرفه‌ای و... را فراهم می‌سازد (اسمیت و شن، ۲۰۰۱: ۸۱۶-۸۰۸).

سایر عوامل

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عضویت انجمنی که بسیار به آن اشاره شده است، اعتماد است. آلموند و وربا (۱۹۶۳) با بررسی پنج کشور نشان دادند که سطوح بالای مشارکت اجتماعی در ایالات متحده و بریتانیا - برخلاف ایتالیا، مکزیک و آلمان - با درجه بالایی از اعتماد بین شخصی مرتبط است (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۹۸ و اسکفر و همکاران، ۲۰۰۱: ۸۰۸).

نیوتن نشان داد که یک رابطه آماری بین اعتماد اجتماعی و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه در بعضی کشورهای غربی وجود دارد ولی حتی آنجا که وجود دارد، معمولاً از نظر آماری ضعیف است (نیوتن، ۲۰۰۱: ۲۰۴).

مذهب نیز همچنین ممکن است نقش مهمی در عضویت انجمنی داشته باشد (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۹۸) در رابطه با دینداری، ادبیات اراده‌گرایی به طور اساسی روی دو موضوع متمرکز است: پیوستگی^۱ و حضور منظم در کلیسا^۲. در باب عضویت مذهبی ویلسون و جانسکی^۳ (۱۹۹۵) پیدا کردند که عضویت کلیسایی ممکن است داوطلب شدن^۴ را افزایش دهد، اما تنها در مذاهب معین و در میان مردمی از سنین ویژه و در مراحل مختلفی از زندگی. در باب تحقیق روی حضور منظم در کلیسا، گیل^۵ (۱۹۹۹) اشاره کرده

1- Affiliation
2- Churchgoing
3- Janoski
4- Volunteering
5- Gill

است، کسانی که داوطلب می‌شوند یا کسانی که اعضاء گروه‌های خدمات داوطلبانه هستند، بیشتر احتمال دارد که هر هفته در کلیسا حاضر شوند. بکر و دینگرا^۱ (۲۰۰۱) همچنین نتیجه گرفتند که حضور در کلیسا همراه با برجستگی مذهبی بالا، داوطلب شدن را پیش‌بینی می‌کند. لام^۲ (۲۰۰۲) نشان داد که دیگر جنبه‌های مذهب همانند مشارکت سازمانی، عضویت، فراوانی نماز و قرائت مذهبی روی داوطلب شدن یک اثر مثبت دارد (یونگ، ۲۰۰۴: ۴۰۳).

پوتنام معتقد است جنسیت، نژاد و قومیت بر عضویت یا عدم عضویت در سازمان‌های داوطلبانه تأثیر می‌گذارد (ریچ ۱۹۹۹: ۲۰). بر همین سیاق مارشال به بررسی اثرگذاری اقلیت‌های قومی و نژادی بر مشارکت در فعالیت‌های مدنی و سیاسی پرداخته است (ملیسا، ۲۰۰۱: ۲۲۸). به عقیده اسمیت و شن (۲۰۰۲) جوامعی که تجانس جمعیتی ندارند. میزان عضویت انجمنی بالاتری در آنها وجود دارد. مردم در دسته‌های مذهبی - قومی متفاوت خواهان ایجاد انجمن‌های مختص خود هستند. بوث^۳ (۱۹۷۵) با استفاده از داده‌های پیمایش در ۵ کشور، نشان داد که عضویت انجمنی در کشورهایی که دارای ترکیب نامتجانس‌تری هستند، بالاتر است. کوربین^۴ (۱۹۹۹) به این نکته دست یافت که هم تنوع مذهبی و هم عدم تجانس نژادی در نواحی شهری ایالات متحده شیوع کلی انجمن‌های داوطلبانه را پیش‌بینی می‌کند. بیلفیلد^۵ (۱۹۹۷) در مطالعه خود اشاره می‌کند که عضویت در انجمن‌های غیرانتفاعی خدمات اجتماعی، سلامتی و تحصیلی به طور کلی با عدم تجانس و درصد اقلیت‌ها در ارتباط است.

در تعدادی از تحقیقات پایگاه اقتصادی اجتماعی که با متغیرهایی چون ثروت و تحصیلات اندازه‌گیری شده، در مشارکت افراد در انجمن‌های داوطلبانه موثر دانسته شده است (ملیسا، ۲۰۰۴: ۶۴ و لارسون، ۲۰۰۱: ۲۲۷) به عقیده لارسون و همکاران او ساکنینی که دارای سطوح بالاتری از پایگاه اجتماعی مرکب از تحصیلات و ثروت هستند، بیشتر احتمال دارد که معتقد به توانایی در تأثیرگذاری بر تصمیمات حکومتی باشند و بیشتر احتمال دارد که دست به کنش جمعی بزنند (لارسون و همکاران، ۲۰۰۴: ۶۵). مارشال معتقد است که مشارکت تا اندازه‌ای با منابع فردی - پول، تحصیلات، نگرش‌های مدنی - که در دسترس افراد است، به حرکت در می‌آید. بر این اساس این منابع فردی احتمال درگیر شدن فرد در فعالیت‌های اجتماعی را بیشتر می‌کند (۲۰۰۱: ۲۲۹). براتون نیز بحث می‌کند که مطالعات تطبیقی نشان داده است که افراد با درآمد بالاتر و با تحصیلات بهتر تمایل دارند که بیشتر یک شهروند فعال باشند، هرچند اثر تحصیلات در کشورهای مختلف متفاوت است (براتون، ۱۹۹۹: ۵۵۲).

تحصیلات رسمی بالاتر، مهارت‌های اجتماعی و زبانی بیشتری فراهم می‌آورد که در شکل‌گیری، هدایت یا مشارکت در انجمن‌ها مفید هستند. بنابراین سطح بالاتری، از تحصیلات رسمی افراد را آماده‌تر و قادر به مشارکت در انجمن‌ها نماید (اسمیت و شن، ۲۰۰۲: ۱۰۱).

1- Becker and Dhingra

2- Lam

3- Booth

4- Corbin

5- Bielefeld

سطوح بالاتر درآمد از طریق ایجاد امکان اختصاص قسمتی از زمان کار و تعهدات خانواده به مشارکت در انجمن‌ها در اوقات فراغت باعث ارتقاء عضویت انجمنی می‌شود. همچنین درآمد بالاتر به اعضا انجمن‌ها اجازه استفاده و تهیه امکانات و تدارکات بیشتر و بهتر مانند استفاده از مکان مناسب، استفاده از وسایلی ارتباطی موثر و مدرن و ... را می‌دهد (همان: ۱۰۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود عوامل مختلفی بر عضویت در انجمن‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. بر این اساس فرضیات اساسی مطالعه حاضر عبارت‌اند از:

- بین متغیرهای زمینه‌ای (تحصیلات، درآمد، سن و شغل) و احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه رابطه وجود دارد.
- متغیر جنسیت (مرد بودن) احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه را افزایش می‌دهد.
- اعتماد اجتماعی احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه را افزایش می‌دهد.
- بین دینداری و احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه رابطه افزایشی وجود دارد.
- بین نگرش مثبت فرد به دموکراسی و احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه رابطه افزایشی وجود دارد.
- بین دارا بودن ارزش‌های پسامدرنیسم و احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

مطالعه حاضر با روش تطبیقی و بهره‌گیری از تکنیک تحلیل ثانویه صورت گرفته است. پژوهش با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی^۱ انجام شده است. این پیمایش داده‌های معتبری برای طیف وسیعی از کشورها در اختیار قرار داده است و امکان مطالعات تحلیلی بین کشورهای مختلف را فراهم ساخته است.

داده‌های پژوهش

در مطالعه حاضر از داده‌های موج چهارم پیمایش ارزش‌های جهانی (۲۰۰۴-۱۹۹۹) برای ۶۰ کشور دنیا استفاده شده است.

تکنیک مورد استفاده در مطالعه حاضر استفاده از رگرسیون لجستیک است. از آنجایی که پاسخ به سؤالات مربوط به عضویت انجمنی افراد به صورت دو مقوله‌ای است، بنابراین، داده‌ها نرمال و واریانس ثابت نیست و در هر تحلیل واریانس تغییر می‌نماید. بنابراین، امکان استفاده از رگرسیون معمولی برای بررسی رابطه چند متغیره وجود ندارد. بنابراین، از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. در رگرسیون لجستیک به دنبال نسبت دادن احتمال وقوع متغیر وابسته به متغیرهای مستقل هستیم. بنابراین، در رگرسیون لجستیک هدف مدل‌سازی، به دست آوردن احتمال است. در اینجا هدف، به دست آوردن احتمال عضویت یا عدم عضویت افراد در انجمن‌های داوطلبانه با استفاده از متغیرهای مستقل است.

سنجش متغیرها

متغیر وابسته تحقیق عضویت در انجمن‌های داوطلبانه است. در این زمینه پیمایش ارزش‌های جهانی درباره عضویت در طیف وسیعی از انجمن‌های داوطلبانه را سوال کرده است. در این پیمایش تعلق یا عدم تعلق به ۱۴ نوع انجمن داوطلبانه از پاسخگویان پرسیده شده است. این انجمن‌ها شامل تعلق به خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان، سازمان‌های مذهبی، فعالیت‌های فرهنگی، موسیقی، هنر و آموزشی، اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، کنش‌های سیاسی محلی، حقوق انسانی، حفاظت از محیط زیست، انجمن‌های حرفه‌ای، کار جوانان، ورزش و تفریحات، گروه‌های زنان، جنبش‌های صلح و سازمان مرتبط با سلامت هستند.

عضویت یا عدم عضویت در انجمن‌های داوطلبانه: به عنوان متغیر وابسته، عضو بودن افراد در حداقل یک انجمن داوطلبانه به عنوان عضویت (=۱) عدم عضویت در تمام انجمن‌ها به عنوان عدم عضویت (=۰) مورد سنجش قرار گرفته است.

انواع انجمن‌های داوطلبانه: از آنجایی که تأثیر متغیرهای مستقل بر انواع انجمن‌های داوطلبانه می‌تواند متفاوت باشد، از تقسیم‌بندی فریتچ (۲۰۰۳) پنج نوع انجمن شامل انجمن‌های سیاسی، انجمن‌های اقتصادی، انجمن‌های فرهنگی، سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌های منافع فردی مشخص گشت

و از هر نوع انجمن، یک انجمن انتخاب و تحلیل شد و تحلیل‌ها یک بار نیز درباره هر یک از این پنج انجمن انجام شد. این انجمن‌ها به ترتیب احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، سازمان مذهبی، خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان، ورزش و تفریحات هستند.

کار بدون دستمزد در انجمن‌ها: از آنجایی که مطابق با نظر بسیاری از صاحب‌نظران عضویت صرف اثری بر رفتارهای فردی ندارد، درباره میزان کار بدون دریافت دستمزد در انجمن‌ها در ۱۲ ماه گذشته سؤال شد.

متغیرهای مستقل: برای بررسی عوامل موثر بر عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با توجه به ادبیات موضوع و فرضیه‌های عرضه شده متغیرهای مستقل انتخاب شده‌اند. متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: جنسیت، سن پاسخگویان، تحصیلات، سطح درآمد، مرتبه شغلی، اعتماد بین شخصی، اعتماد اجتماعی، تعمیم‌یافته، اهمیت خدا در زندگی، حضور در مناسک مذهبی، نگرش به دموکراسی و ارزش‌های پسامدرنیسم است. توصیف و نحوه سنجش هر یک از متغیرها در جدول شماره ۱ آمده است.



جدول شماره ۱. تعاریف عملیاتی و آماره های توصیفی برای متغیرهای استفاده شده در تحلیل

نام متغیر	توصیف	میانگین	انحراف استاندارد
جنسیت	به صورت متغیر تصنعی اندازه گیری شده (مرد=۱)	-	-
سن	سن یا سال اندازه گیری شده است.	۴۱.۱۲	۱۶.۳۲
تحصیلات	بالاترین سطح تحصیلات رسمی با استفاده از یک طیف ۸ قسمتی	۴.۳۵	۲.۲۸
مرتبۀ شغلی	مرتبۀ شغلی پاسخگو بر اساس یک طیف ۲۰ قسمتی	۸.۳۳	۴.۱۷
سطح درآمد	سطح درآمد در یک طیف ۱۰ قسمتی	۴.۶۲	۲.۴۱
اعتماد بین شخصی	متغیر دو حالتی در پاسخ به این سؤال که «ایا معتقدید که بیشتر مردم قابل اعتماد هستند یا فکر می کنید در برخورد با مردم باید بسیار محتاط و مراقب باشید» (بیشتر مردم قابل اعتمادند=۱)	۰.۲۸	۰.۴۵
اعتماد اجتماعی	با ترکیب پاسخها به سؤال میزان اطمینان به کلیسا یا مسجد، اطمینان به نیروی نظامی، اطمینان به مطبوعات، اطمینان به اتحادیه‌های کارگری، اطمینان به پلیس، اطمینان به پارلمان و اطمینان به خدمات مدنی اندازه‌گیری شده است	۰.۰۰	۱.۰۰
اهمیت خدا در زندگی	با پاسخ به سؤال «خداوند در زندگی شما چقدر مهم است» بر یک طیف ۱۰ قسمتی اندازه‌گیری شده است	۷.۶۲	۳.۰۹
حضور در مناسک مذهبی	با پاسخ به سؤال میزان شرکت در مناسک مذهبی بر یک طیف ۸ قسمتی اندازه‌گیری شده است.	۴.۴۶	۲.۵۹
نگرش به دموکراسی	با ترکیب پاسخها به چهار سؤال درباره روند دموکراسی اندازه‌گیری شده است.	۰.۰۰	۱.۰۰
ارزش‌های پسامدرنیسم	با ترکیب پاسخها به چهار سؤال درباره خود شکوفایی و کیفیت زندگی بر اساس تحلیل اینگلهارت (اینگلهارت و بیکر ۲۰۰۰) اندازه‌گیری شده است.	۱.۸۰	۰.۶۲

یافته‌های تحقیق

۱. الگوهای عضویت انجمنی

جدول شماره ۱ درصد افراد متعلق به حداقل یک انجمن و میانگین نمره عضویت انجمنی را برای کشورهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. همچنان که جدول نشان می‌دهد، بیشترین عضویت انجمنی متعلق به کشورهای اسکانداویوی است یعنی کشورهای سوئد، ایسلند و هلند که بیش از ۹۰ درصد مردم در آنها عضو حداقل یک انجمن داوطلبانه هستند. پس از آنها کشورهای ایالات متحده آمریکا و زیمبابوه و تانزانیا قرار دارند. به طور کلی در ۲۶ کشور بیش از ۵۰ درصد مردم در انجمن‌های داوطلبانه عضو هستند. از سوی دیگر کمترین عضویت انجمنی مربوط به ترکیه با ۷ درصد و لیتوانی با ۱۶/۳ درصد است. همچنانکه مشاهده می‌شود کشورهای با میراث کمونیست در انتهای این جدول قرار دارند و عمدتاً دارای عضویت انجمنی پایین هستند.

جدول شماره ۲. میزان عضویت پاسخگویان در انجمن های داوطلبانه در کشورهای مورد تحلیل

درصد افراد متعلق به حداقل یک انجمن	میانگین نمره عضویت انجمنی	درصد افراد متعلق به حداقل یک انجمن		درصد افرادی با کار بدون دستمزد	میانگین نمره عضویت انجمنی	درصد افراد متعلق به حداقل یک انجمن	
۹۵.۱	۲.۹۷	۴۴.۸	آلمان	۵۳.۶	۳.۹۷	۱۷.۳۴	سوئد
۹۳.۱	۲.۶۷	۴۴.۳	ماسدونیا	۳۱.۹۲	۲.۶۷	۳۲.۲۳	ایسلند
۹۲	۳	۴۳.۴	مولداوی	۴۶.۷۶	۳	۳۴.۳۳	هلند
۸۸.۱	۳.۰۳	۴۲.۹	ایرلند شمالی	۶۴.۸۳	۳.۰۳	۱۸.۵	آمریکا
۸۶.۱	۱.۴۵	۴۲.۲	کرواسی	۶۱.۷۸	۱.۴۵	۲۲.۶۳	زیمباوه
۸۴.۷	۳.۴۸	۴۱.۱	ایتالیا	۸۰.۲۷	۳.۴۸	۲۵.۰۵	تانزانیا
۸۱.۹	۱.۷۷	۴۱	زاین	۳۳.۳۴	۱.۷۷	۱۵.۵۷	دانمارک
۷۹.۳	۲.۱۹	۴۰.۴	مالت	۷۴.۹۵	۲.۱۹	۲۸.۱۴	اگاندا
۷۸.۶	۱.۷۵	۳۹.۹	آرژانتین	۳۶.۱۳	۱.۷۵	۲۱.۹۵	فنلاند
۷۵.۷	۲.۳	۳۸	فرقیستان	۷۲.۱	۲.۳	۱۶.۵۹	وینام
۷۳.۵	۱.۵۸	۳۷.۵	هند	۵۰.۱۷	۱.۵۸	۳۱.۲۲	آفریقای جنوبی
۷۱.۹	۱.۴۷	۳۶	صربستان و مونته نگرو	-	۱.۴۷	۱۳.۸۵	کره جنوبی
۷۱.۸	۱.۷۸	۳۵.۴	فرانسه	۴۶.۱۹	۱.۷۸	۲۲.۷۲	کانادا
۶۸	۱.۶۷	۳۴.۹	بوسنی و هرزگوین	۵۵.۸	۱.۶۷	۲۱.۳۳	آلبانی
۶۳.۹	۱.۴۱	۳۳	آکراین	۲۷.۹۲	۱.۴۱	۱۲.۰۵	اتریش
۶۱.۸	۱.۰۵	۳۱	استونی	۴۸.۶۹	۱.۰۵	۱۶.۴۲	اسلواکی
۶۱.۱	۱.۴۶	۳۱	بریتانیا	۳۱.۰۷	۱.۴۶	۴۲.۲	بلژیک
۶۰.۸	۱.۳۲	۳۱	روسیه	۴۵.۲۸	۱.۳۲	۷.۳۶	پرتوریکو
۵۸.۸	۱.۳۳	۲۹	مجارستان	۵۸.۱۷	۱.۳۳	۱۴.۴	فلپین
۵۷.۲	۱.۴۵	۲۷.۸	اسپانیا	-	۱.۴۵	۱۵.۴۸	ونزوئلا
۵۷	۱.۳۵	۲۷.۱	لاتویا	۲۹.۵۶	۱.۳۵	۱۸.۳۶	لوکزامبورگ
۵۵.۵	۱.۱۴	۲۵.۵	پرتغال	۳۰.۳۴	۱.۱۴	۱۴.۲	ایرلند
۵۵.۲	۰.۹۸	۲۵.۳	چین	۴۴.۹	۰.۹۸	۷۷.۲	پرو
۵۴.۸	۰.۹۵	۲۳	لهستان	۳۰.۰۳	۰.۹۵	۱۲.۲۴	جمهوری چک
۵۴.۲	۱.۱۸	۲۱.۶	بلغارستان	۳۸	۱.۱۸	۱۷.۴	یونان
۴۹.۲	۰.۸۷	۱۹.۵	رومانی	۴۳.۵۸	۰.۸۷	۱۴.۴	شیلی
۴۶.۷	۰.۸۳	۱۷.۶	مراکش	۳۵.۷۱	۰.۸۳	-	سنگاپور
۴۶.۵	۰.۸۸	۱۶.۳	لیتوانی	۲۵.۰۵	۰.۸۸	۱۳.۵۶	اسلونی
۴۶.۳	۰.۹۵	۷	ترکیه	۳۸.۴۴	۰.۹۵	۵.۸	مکزیک
۴۵.۳	۰.۵۱	۵۰.۱	میانگین	۱۸	۰.۵۱	۳۳.۱۳	بلاروس

در ستون دوم میانگین تعداد انجمن های عضو برای افراد هر کشور آمده است که نشان می دهد کشور تانزانیا با میانگین ۳/۴۸ انجمن برای هر پاسخگو دارای بالاترین نمره عضویت برای افرادش است. پس از آن ایالات متحده آمریکا با ۳/۰۳ انجمن به ازای هر فرد در رتبه بعدی قرار دارد. پس از این دو کشور، عمدتاً کشورهای اسکاندیناوی قرار دارند. و کمترین میزان نیز متعلق به ترکیه با ۰/۱۱ است. در زمینه کار بدون دریافت دستمزد حدود ۸۰ درصد تانزانیایی ها در انجمن های داوطلبانه کار می کنند. پس از آن اگاندا و ایالات متحده قرار دارند. در انتهای پیوستار نیز ترکیه با ۵/۸ درصد قرار دارد.

این الگوی عضویت در میان کشورهای مختلف در انجمن‌های مختلف متفاوت است و در کشورهای مختلف عضویت در انجمن‌ها، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. جدول ۱، میزان عضویت پاسخگویان در پنج انجمن منتخب را نشان می‌دهد. آنچنان که مشاهده می‌شود میزان عضویت در انجمن‌های مختلف در کشورهای مختلف متفاوت است، اما در کل کشورهای دارای نرخ بالای عضویت انجمنی در بیشتر انجمن‌ها دارای عضویت بالایی هستند. به طوری که، نتیجه تحلیل خوشه K-Means میزان عضویت کشورها در پنج انجمن بررسی شده با پایه تشخیص سه خوشه، نشان می‌دهد که کشورهای ایسلند، سوئد، تانزانیا، هلند، فنلاند و دانمارک در خوشه اول قرار گرفته‌اند که بالاترین میزان را در انجمن‌های بررسی شده دارند. هر چند در این خوشه میزان عضویت در احزاب سیاسی در مقوله متوسط قرار گرفته است. در خوشه دوم که دارای مقادیر متوسط از عضویت انجمنی (مقدار بالا در عضویت در احزاب سیاسی) هستند شامل ایالات متحده، بنگلادش، زیمبابوه، آفریقای جنوبی، اوگاندا، کانادا، کره جنوبی، پرتوریکو و فلیپین قرار دارند. سایر کشورها در خوشه سوم قرار دارند و دارای کمترین عضویت انجمنی هستند.

۲- عوامل موثر بر عضویت انجمنی

جدول شماره ۳ ضرایب رگرسیون لجستیک عضویت در انجمن‌های داوطلبانه روی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود متغیرها در مدل‌های مختلف وارد معادلات رگرسیونی شده‌اند. در مدل ۱ متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت (مرد=۱)، سن، تحصیلات، شغل و درآمد وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و رابطه آنها با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه بررسی شده است. مطابق با مدل همه متغیرها دارای رابطه معنی‌دار هستند. نتایج نشان می‌دهد، احتمال بیشتری وجود دارد که مردها عضو انجمن‌های داوطلبانه شوند. همچنین با افزایش سطح تحصیلات، مرتبه شغلی و سطح درآمد احتمال عضویت در این انجمن‌ها افزایش می‌یابد. اما رابطه سن با عضویت انجمنی معکوس است و با افزایش سن احتمال عضویت افراد در انجمن‌ها کاهش می‌یابد. در میان متغیرهای زمینه‌ای جنسیت (مرد بودن) با ضریب بتای ۰.۱۶ دارای بیشترین رابطه است.

در مدل‌های ۲ تا ۶ متغیرهای زمینه‌ای ثابت نگه داشته شده‌اند و در هر مدل یکی از فرضیات مطالعه بررسی می‌شود. در مدل ۲ اعتماد با دو بعد خود یعنی اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته وارد معادله شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با عضویت انجمنی هستند. بر این اساس با افزایش اعتماد افراد به سایر اشخاص و اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، احتمال عضویت آنها در انجمن‌های داوطلبانه افزایش می‌یابد. ضرایب بتای ۰.۳۱ و ۰.۳۲ نشان‌دهنده رابطه قوی اعتماد با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه است. متغیرهای زمینه‌ای رابطه خود را حفظ کرده‌اند.

در مدل سوم متغیر دینداری وارد مدل شده است. در اینجا دو بعد عمده دینداری یعنی بعد اعتقادی (اعتقاد به خدا) و بعد مناسکی (حضور در مناسک مذهبی) وارد معادله شده‌اند. همان‌طور که مشخص است، بعد مناسکی دارای یک رابطه مثبت معنی‌دار است و احتمال عضویت انجمنی را افزایش می‌دهد.

جدول شماره ۳. ضرایب رگرسیون لجستیک عضویت در انجمن‌های داوطلبانه روی متغیرهای مستقل

مدل ۶	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱		
۰.۱۴۸ ^{***}	۰.۱۴۴ ^{***}	۰.۱۱۳ ^{***}	۰.۲۰۷ ^{***}	۰.۱۳۶ ^{***}	۰.۱۵۹ ^{***}	B	جنسیت (مرد=۱)
(۱.۱۶)	(۱.۱۵)	(۱.۱۲)	(۱.۲۳)	(۱.۱۵)	(۱.۱۷)	Exp(B)	
-۰.۰۰۷ ^{***}	-۰.۰۰۷ ^{***}	-۰.۰۰۶ ^{***}	-۰.۰۰۸ ^{***}	-۰.۰۰۸ ^{***}	-۰.۰۰۸ ^{***}	B	سن پاسخگویان
(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	Exp(B)	
۰.۰۰۷ ^{***}	۰.۰۰۸۱ ^{***}	۰.۰۰۷۲ ^{***}	۰.۰۰۹۲ ^{***}	۰.۰۰۹۱ ^{***}	۰.۰۰۹۳ ^{***}	B	تحصیلات
(۱.۰۸)	(۱.۰۸)	(۱.۰۷)	(۱.۱۰)	(۱.۱۰)	(۱.۱۰)	Exp(B)	
۰.۰۰۷ ^{***}	۰.۰۰۶ ^{***}	۰.۰۰۵ ^{***}	۰.۰۰۸ ^{***}	۰.۰۰۷ ^{***}	۰.۰۰۷ ^{***}	B	مرتبه شغلی
(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	(۰.۹۹)	Exp(B)	
۰.۰۸۲ ^{***}	۰.۰۷۸ ^{***}	۰.۰۷۲ ^{***}	۰.۰۹۱ ^{***}	۰.۰۸۲ ^{***}	۰.۰۷۹ ^{***}	B	سطح درآمد
(۱.۰۹)	(۱.۰۸)	(۱.۰۷)	(۱.۱۰)	(۱.۰۹)	(۱.۰۸)	Exp(B)	
-۰.۳۲۸ ^{***}				۰.۳۰۹ ^{***}		B	اعتماد بین شخصی
(۱.۳۹)				(۱.۳۶)		Exp(B)	
۰.۲۸۷ ^{***}				۰.۳۲۶ ^{***}		B	اعتماد اجتماعی تعمیم یافته
(۰.۷۵)				(۰.۷۲)		Exp(B)	
-۰.۰۲۴ ^{***}			-۰.۰۱۴ ^{***}			B	اهمیت خدا در زندگی
(۰.۹۸)			(۰.۹۹)			Exp(B)	
۰.۱۲۲ ^{***}			۰.۱۴۴ ^{***}			B	حضور در مناسک مذهبی
(۰.۸۸)			(۰.۸۷)			Exp(B)	
۰.۱۲۱ ^{***}		۰.۱۶۴ ^{***}				B	نگرش به دموکراسی
(۱.۱۳)		(۱.۱۸)				Exp(B)	
۰.۱۸۶ ^{***}	۰.۲۴۵ ^{***}					B	ارزش‌های پسامدرنیسم
(۱.۲۰)	(۱.۲۸)					Exp(B)	
۰.۳۲۵ ^{***}	-۰.۶۳۹ ^{***}	-۰.۰۶۳	۰.۵۶۷ ^{***}	-۰.۱۷۶ ^{***}	-۰.۲۳۵ ^{***}	B	Constant
(۱.۳۸)	(۰.۵۳)	(۰.۹۴)	(۱.۷۶)	(۰.۸۴)	(۰.۷۹)	Exp(B)	
۳۱۲۳	۲۴۹۲.۶	۱۶۷۴.۸	۳۷۷۴.۴	۲۹۰۳.۳	۲۴۳۰.۳	X2	Model Chi-square
۱۱	۶	۶	۷	۷	۵	df	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	Sig	
۴۵۶۶.۴	۷۳۶۰.۲۸	۵۹۶۹.۴	۷۳۲۷۱.۴	۵۹۸۱۴.۹	۷۷۹۳۲.۵	-2 Log likelihood	
۶۳.۲	۵۹.۱	۵۹.۳	۶۰.۲	۶۱	۵۸.۳	درصد تفکیک صحیح	
۳۷۱۵۳	۵۵۳۰۶	۴۴۷۳۶	۵۵۷۱۶	۴۵۵۸۹	۵۸۰۵۲	N	

در مدل ۴ نگرش به دموکراسی وارد معادله شده است که دارای یک رابطه مثبت و معنی دار با عضویت انجمنی است و افرادی که دارای نگرش مثبت‌تری به دموکراسی هستند، بیشتر احتمال دارد که در انجمن‌های داوطلبانه عضو شوند.

در مدل ۵ متغیرهای ارزش‌های پسامدرنیسم به عنوان یک متغیر از سیستم ارزشی جامعه وارد مدل شده است. همچنان که مشاهده می‌شود این متغیر دارای یک رابطه معنی دار و قوی مثبت با عضویت انجمنی است. یعنی هر چه افراد دارای ارزش‌های پسامدرنیسم بیشتری باشند احتمال عضویت‌شان در انجمن‌های داوطلبانه بیشتر می‌شود.

در مدل ۶ که مدل نهایی است تمام متغیرهای ۵ مدل قبلی وارد یک معادله رگرسیونی شده‌اند. با ورود تمام متغیرهای مستقل در یک مدل تمام متغیرها معنی دار هستند. از میان متغیرهای وارد شده در مدل متغیرهای سن و اهمیت خدا در زندگی احتمال عضویت انجمنی را کاهش می‌دهند و سایر متغیرها دارای رابطه مثبت هستند و احتمال عضویت انجمنی را افزایش می‌دهند. مقایسه ضرایب بتای متغیرها نشان می‌دهد که متغیرهای مربوط به اعتماد اجتماعی با ضرایب بتای ۰.۳۳ و ۰.۲۹ دارای بیشتر رابطه با

عضویت انجمنی هستند و بالا رفتن اعتماد چه بین افراد و چه اعتماد به سازمان‌های اجتماعی احتمال عضو شدن افراد در انجمن‌های داوطلبانه را افزایش می‌دهد. پس از متغیرهای اعتماد، حضور در مناسک مذهبی با ضریب ۰.۱۲۲ و نگرش مثبت به دموکراسی ۰.۱۲۱. بیشترین رابطه را با عضویت انجمنی دارد. از میان متغیرهای زمینه‌ای مرد بودن با ضریب ۰.۱۴۸ رابطه بیشتری دارد و احتمال عضویت انجمنی را بالاتر می‌برد. بررسی شاخص^۱ در مدل‌های شش‌گانه فوق نشان می‌دهد که مدل ششم دارای برازش بهتری نسبت به سایر مدل‌ها است. و در کل مدل توانسته ۶۳.۲ درصد عضویت یا عدم عضویت افراد را به درستی تفکیک نماید.

بنابراین، آنچه‌آنکه مشاهده می‌شود از میان متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی و حضور در مناسک مذهبی دارای رابطه قوی‌تری با عضویت انجمنی است و احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه برای افرادی که دارای اعتماد بیشتری به دیگران و سازمان‌های اجتماعی هستند و بیشتر در مناسک مذهبی شرکت می‌کنند، بیشتر است.

عوامل موثر بر الگوی انتخاب انجمن

اما مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این متغیرها دارای اثر یکسان بر عضویت در انجمن‌های مختلف هستند؟ برای بررسی این مسئله اقدام به انجام یک تحلیل حساس شد. برای این منظور با توجه به تقسیم‌بندی فریتچ (۲۰۰۳) از انجمن‌های داوطلبانه پنج نوع انجمن مشخص و از هر نوع، یک انجمن تعیین و رابطه متغیرهای مستقل با عضویت در هر کدام از این انجمن‌ها بررسی شد. این انجمن‌ها شامل احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن مذهبی، خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان و انجمن ورزشی و تفریحات است. جدول شماره ۴ رابطه بین متغیرهای مستقل با هر یک از انجمن‌های فوق را نشان می‌دهد. همچنان که مشاهده می‌شود متغیرهای مستقل دارای رابطه متفاوت بر روی انجمن‌های مختلف هستند.

مرد بودن احتمال عضویت در احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را افزایش می‌دهد، در حالی که احتمال عضویت در انجمن‌های مذهبی و خدمات اجتماعی برای سالمندان را کاهش می‌دهد و زن بودن احتمال عضویت در این انجمن‌ها را افزایش می‌دهد و زنان بیشتر تمایل به عضویت در این انجمن‌ها دارند. مرد بودن به ویژه درباره عضویت در احزاب سیاسی و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی بسیار مهم است و ضرایب بتای ۰.۷۹ و ۰.۷۳ آن نشان دهنده این امر است.

جدول شماره ۴. ضرایب رگرسیون لوجستیک عضویت در انواع انجمن‌های داوطلبانه روی متغیرهای مستقل

انجمن‌های ورزش و سرگرمی	خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان	انجمن‌های مذهبی	اتحادیه‌های کارگری	احزاب سیاسی		
۰.۷۳**	-۰.۲۳**	-۰.۰۷**	۰.۱۲۰**	۰.۷۹۳**	B	جنسیت (مرد=۱)
(۲.۰۷)	(۰.۸۰)	(۰.۹۴)	(۱.۱۳)	(۲.۲۱)	Exp(B)	
-۰.۰۳**	۰.۰۱**	۰.۰۰	-۰.۰۰۵**	۰.۰۰۶**	B	سن پاسخگویان
(۰.۹۷)	(۱.۰۱)	(۱.۰۰)	(۰.۹۹)	(۱.۰۱)	Exp(B)	
۰.۰۶**	۰.۰۵**	-۰.۰۱	-۰.۰۰۱	۰.۰۸۷**	B	تحصیلات
(۱.۰۶)	(۱.۰۵)	(۰.۹۹)	(۱.۰۰)	(۱.۰۹)	Exp(B)	
۰.۰۱**	۰.۰۰**	۰.۰۰**	۰.۰۳۰**	۰.۰۰۰	B	مرتب‌بندی شغلی
(۰.۹۹)	(۱.۰۰)	(۱.۰۰)	(۰.۹۷)	(۱.۰۰)	Exp(B)	
۰.۱۰**	۰.۰۳**	۰.۰۵**	۰.۰۸۲**	۰.۰۵۶**	B	سطح درآمد
(۱.۱۱)	(۱.۰۳)	(۱.۰۶)	(۱.۰۹)	(۱.۰۶)	Exp(B)	
۰.۲۶**	۰.۲۶**	۰.۳۲**	۰.۲۹۳**	۰.۱۷۲**	B	اعتماد بین شخصی
(۱.۳۰)	(۱.۳۰)	(۱.۳۷)	(۱.۳۴)	(۱.۱۹)	Exp(B)	
۰.۲۰**	۰.۳۳**	۰.۳۰**	۰.۲۷۱**	۰.۴۴۳**	B	اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته
(۰.۸۲)	(۰.۷۲)	(۰.۷۴)	(۰.۷۶)	(۰.۶۴)	Exp(B)	
-۰.۰۵**	۰.۰۱	۰.۰۹**	-۰.۰۶۷**	-۰.۰۰۲	B	اهمیت خدا در زندگی
(۰.۹۵)	(۱.۰۱)	(۱.۰۹)	(۰.۹۳)	(۱.۰۰)	Exp(B)	
۰.۰۲**	۰.۰۹**	۰.۳۶**	-۰.۰۳۵**	۰.۰۰۶**	B	حضور در مناسک مذهبی
(۰.۹۸)	(۰.۹۱)	(۰.۷۰)	(۱.۰۴)	(۰.۹۴)	Exp(B)	
۰.۲۱**	۰.۱۴**	۰.۱۳**	۰.۰۲۶	۰.۱۸۸**	B	ارزش‌های پسا مدرنیسم
(۱.۲۳)	(۱.۱۵)	(۱.۱۳)	(۱.۰۳)	(۱.۲۱)	Exp(B)	
-۱.۵۹**	-۳.۱۶**	-۰.۹۶**	-۰.۹۴۵**	-۴.۰۲**	B	Constant
(۰.۳۰)	(۰.۰۴)	(۰.۳۸)	(۰.۳۹)	(۰.۰۲)	Exp(B)	
۲۹۷۷.۶	۸۹۲.۷	۷۲۲۲.۶	۱۹۵۶.۴	۱۴۳۵.۶	X ²	Model Chi-square
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	df	
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	Sig	
۳۷۰۰۶.۷	۲۳۸۵۸	۳۸۸۸۶.۴	۳۴۵۳۴.۶	۲۳۱۴۰.۸	-2 Log likelihood	
۸۲.۹	۹۱.۸	۷۸.۹	۸۵	۹۱.۹	درصد تفکیک صحیح	
۴۳۷۴۴	۴۳۷۴۴	۴۳۷۴۴	۴۳۹۰۴	۴۳۷۴۴	N	

افزایش سن افراد احتمال عضویت در احزاب سیاسی و خدمات اجتماعی برای سالمندان را افزایش می‌دهد، در حالی که احتمال عضویت در اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را کاهش می‌دهد و جوانان بیشتر احتمال دارد که در این انجمن‌ها عضو شوند.

افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان احتمال عضویت آنها را در احزاب سیاسی، خدمات اجتماعی برای رفاه سالمندان و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را افزایش می‌دهد، در حالی که تحصیلات اثری بر عضویت در انجمن‌های مذهبی و اتحادیه‌های کارگری ندارد.

مرتب‌بندی شغلی افراد احتمال عضویت آنها در اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های مذهبی، خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان، انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را افزایش می‌دهد، هر چند ضرایب آن نشان می‌دهد که در مقایسه با سایر متغیرها چندان قوی نیست.

سطح درآمد افراد نیز یک رابطه مثبت با عضویت در تمام انجمن‌های بررسی شده دارد و احتمال عضویت در همه آنها را افزایش می‌دهد. مقایسه ضرایب بتا نشان می‌دهد که درآمد با ضریب ۰.۱۰ رابطه بیشتری با عضویت افراد در انجمن‌های ورزشی و سرگرمی دارد.

متغیرهای اعتماد اجتماعی دارای رابطه مثبت با پنج انجمن بررسی شده هستند. اعتماد بین شخصی احتمال عضویت در پنج انجمن داوطلبانه را افزایش می‌دهد. از میان انجمن‌های بررسی شده اعتماد بین شخصی رابطه قوی‌تری با عضویت در انجمن‌های مذهبی و اتحادیه‌های کارگری با ضرایب ۰.۳۲ و ۰.۲۹ دارد. اما اعتماد اجتماعی تعمیم یافته بیشترین رابطه را با عضویت در احزاب سیاسی با ضریب ۰.۴۴ دارد. متغیرهای دینداری دارای رابطه متفاوتی بر عضویت در انجمن‌های مختلف هستند. اهمیت خدا در زندگی، احتمال عضویت در اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را کاهش می‌دهد، در حالی که احتمال عضویت در انجمن‌های مذهبی را افزایش می‌دهد. این متغیر بر احتمال عضویت در احزاب سیاسی و خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان تأثیری نشان نداده است.

حضور در مناسک مذهبی احتمال عضویت در احزاب سیاسی، انجمن‌های مذهبی، خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان و انجمن‌های ورزشی و سرگرمی را افزایش می‌دهد، به ویژه احتمال عضویت در انجمن‌های مذهبی با ضریب ۰.۳۶. اما با احتمال عضویت در اتحادیه‌های کارگری رابطه منفی دارد.

ارزش‌های پسامدرنیسم نیز دارای رابطه مثبتی با احتمال عضویت در انجمن‌های بررسی شده است. تنها با عضویت در اتحادیه‌های کارگری فاقد رابطه معنی‌دار است. بر این اساس افرادی که دارای ارزش‌های پسامدرنیسم بیشتری هستند، بیشتر احتمال دارد که در انجمن‌های بررسی شده عضو شوند.

به طور کلی مقایسه ضرایب بتای متغیرهای مستقل نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر عضویت در احزاب سیاسی، جنسیت (مرد بودن) با ضریب ۰.۷۹ و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته با ضریب ۰.۴۴ است. مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر عضویت در اتحادیه‌های کارگری اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته با ضرایب ۰.۲۹ و ۰.۲۷ است. مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر عضویت در انجمن‌های مذهبی، حضور در مناسک مذهبی با ضریب ۰.۳۶ و اعتماد اجتماعی بین شخصی با ضریب ۰.۳۲ است. مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر عضویت در خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان اعتماد اجتماعی تعمیم یافته با ضریب ۰.۳۳ و اعتماد بین شخصی با ضریب ۰.۲۶ است. و در نهایت مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر عضویت در انجمن‌های ورزشی و سرگرمی جنسیت (مرد بودن) با ضریب ۰.۷۳ و اعتماد بین شخصی با ضریب ۰.۲۶ است.

نتیجه‌گیری

همچنان که اشاره شد، عضویت در انجمن‌های داوطلبانه به عنوان پایه‌های تشکیل جامعه مدنی و مشارکت فعال افراد جامعه در روندهای اجتماعی و سیاسی به شمار می‌آید. مطابق با نتایج تحقیق کشورهای مختلف در میزان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه متفاوت هستند. کشورهای اسکانديناوی، ایالات متحده و تعدادی از کشورهای آفریقایی دارای بالاترین میزان عضویت انجمنی هستند و تقریباً در بیشتر انجمن‌ها دارای میزان بالای عضویت هستند. از سوی دیگر بیشتر کشورهای با سابقه حاکمیت کمونیست دارای پایین‌ترین میزان‌های عضویت انجمنی هستند. سایر کشورها نیز دارای عضویت‌های متفاوتی هستند. هر چند علاوه بر تفاوت در میزان عضویت انجمنی، کشورهای مختلف دارای الگوهای متفاوتی از عضویت در انجمن‌های مختلف هستند.

بررسی عوامل مؤثر بر عضویت در انجمن‌های داوطلبانه نیز نشان داد که تقریباً همه متغیرهای مستقل دارای رابطه معنی دار با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه‌اند. همچنانکه نتایج نشان داد، به طور کلی، مردها، جوان‌ترها، تحصیل کرده‌ها، افراد دارای سطح درآمد و شغل بالاتر، بیشتر احتمال دارد که در انجمن‌های داوطلبانه عضو شوند. این ویژگی‌ها امکاناتی برای فرد فراهم می‌سازد که امکان درگیری او را در روندهای مشارکتی افزایش می‌دهد. هر چند این متغیرها دارای رابطه متفاوت با احتمال عضویت در انواع انجمن‌ها هستند که به تفضیل به آن اشاره شد.

همچنان که بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه نیز اشاره کرده‌اند، اعتماد اجتماعی دارای یک رابطه قوی با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه است. در حقیقت اعتماد زمینه‌نگرشی برای پذیرش روابط همبستگی است و به عنوان یک تسهیل‌کننده و ضمانت برای برقراری رابطه مد نظر است. بنابراین، اعتماد احتمال درگیری افراد در فعالیت‌های انجمنی را افزایش می‌دهد. با این حال، اعتماد بین شخصی برای عضویت در انجمن‌های از نوع پیوندی مانند انجمن‌های مذهبی مؤثرتر است و اعتماد اجتماعی تعمیم یافته برای عضویت در انجمن‌های وسیع‌تر مانند احزاب سیاسی و خدمات اجتماعی برای سالمندان.

از دو بعد دینداری، یعنی بعد اعتقادی و مناسکی، بعد اعتقادی رابطه منفی با احتمال عضویت انجمنی نشان داد، در حالی که بعد مناسکی یعنی حضور در مراسم و آیین‌های مذهبی، از آنجایی که باعث درگیری فرد در این فعالیت‌ها و در نتیجه گسترش شبکه روابط اجتماعی فرد می‌شود، باعث افزایش احتمال عضویت در انجمن‌های داوطلبانه می‌شود.

متغیرهای نگرش به دموکراسی و ارزش‌های پسامدرنیسم نیز با ایجاد زمینه‌نگرشی لازم برای درگیری در فعالیت‌های اجتماعی و افزایش اعتقاد به توانایی اثرگذاری بر روندهای جاری جامعه احتمال عضویت افراد در انجمن‌های داوطلبانه را افزایش می‌دهند.

هر چند متغیرهای سطح فردی بررسی شده در مطالعه، رابطه معنی‌داری با عضویت در انجمن‌های داوطلبانه نشان دادند، ولی بررسی مدل‌های رگرسیونی نشان می‌دهد که هنوز مقدار زیادی از تغییرات عضویت در انجمن‌های داوطلبانه تبیین نشده باقی مانده است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در این

زمینه توجه به متغیرهای سطح کلان مانند توسعه اقتصادی یا درجه دولت‌گرایی^۱ و میزان جمع‌گرا یا فردگرا بودن جامعه^۲ و ... حائز اهمیت زیادی است و می‌تواند در تبیین دقیق‌تر عضویت انجمنی مؤثر باشد. در نهایت باید به این نکته اشاره شود که هر چند عضویت در انجمن‌های داوطلبانه برای حفظ و تقویت دموکراسی و رشد و گسترش حوزه عمومی ضروری است، نوع انجمن‌های گسترش یافته در یک کشور در این زمینه بسیار مهم است. انجمن‌هایی از نوع پیوندی و جدا از جامعه که نگاه به درون داشته یا انجمن‌هایی که برخاسته از دل یک جامعه نباشند یا با رهیافتی از بالا به پایین ایجاد شوند، نمی‌توانند تاثیری بر گسترش حوزه عمومی داشته باشند. بنابراین، انجمن‌هایی که دارای ارتباطات وسیع‌تر با کل جامعه و پیوسته به آن هستند و برخاسته از نیازها و تجربیات واقعی جامعه هستند، می‌توانند تأثیر مثبتی بر روندهای اجتماعی داشته و مردم نیز تمایل به عضویت بیشتر در آنها خواهند داشت.



1 - Degree of Statism
2 - Degree of Corporateness

پیوست:

پیوست ۱. درصد عضویت پاسخگویان در انجمن‌های منتخب در کشورهای مورد تحلیل

خوشه	انجمن‌های کارگرمی	سازمان مذهبی	خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان	تفریحات و ورزش	خوشه	انجمن‌های کارگرمی	سازمان مذهبی	خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان	تفریحات و ورزش	خوشه	انجمن‌های کارگرمی	سازمان مذهبی	خدمات رفاه اجتماعی برای سالمندان	تفریحات و ورزش	خوشه
۳	۱۹.۰	۵۹.۷	۷۱.۱	۱۷.۴	۱	۳۴.۱	۱۷.۴	۲۱.۱	۷۰.۶	۳	۱۱.۴	۴.۱	۲۵.۴	۴.۵	۴.۷
۳	۱۰.۳	۶۲.۴	۷۰.۶	۲۱.۱	۱	۳۶.۲	۲۱.۱	۲۱.۱	۷۰.۶	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۲۶.۲	۲۸.۵	۵۶.۹	۲۶.۹	۱	۲۹.۲	۲۶.۹	۲۶.۹	۵۶.۹	۳	۱۵.۳	۶.۹	۲۱.۴	۲.۰	۲.۰
۳	۹.۳	۲۳.۶	۳۴.۵	۲۱.۵	۱	۵۰.۹	۲۱.۵	۲۱.۵	۳۴.۵	۳	۱۳.۱	۷.۲	۱۱.۰	۱.۳	۱.۳
۳	۶.۱	۳۳.۶	۴۵.۹	۹.۶	۱	۲۵.۰	۹.۶	۹.۶	۴۵.۹	۳	۶.۶	۱.۴	۰.۸	۱.۰	۱.۰
۳	۶.۶	۵۴.۳	۱۱.۹	۶.۵	۱	۳۳.۰	۶.۵	۱۱.۹	۵۴.۳	۳	۳.۲	۰.۶	۱.۷	۱.۳	۱.۳
۳	۱۸.۷	۱۲.۷	۵۷.۸	۱۷.۲	۲	۳۴.۴	۱۷.۲	۱۷.۲	۵۷.۸	۳	۱۶.۹	۵.۴	۶.۷	۳.۵	۳.۵
۳	۲۳.۵	۱۴.۸	۴۲.۳	۱۷.۲	۲	۲۴.۹	۱۷.۲	۱۷.۲	۴۲.۳	۳	۲۲.۳	۶.۵	۷.۳	۶.۷	۶.۷
۳	۶.۳	۳.۲	۷۵.۵	۷.۹	۲	۸.۹	۷.۹	۷.۹	۷۵.۵	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۹.۲	۶.۳	۵۷.۳	۸.۱	۲	۱۸.۹	۸.۱	۸.۱	۵۷.۳	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۹.۵	۷.۷	۴۳.۵	۱۲.۶	۲	۲۵.۲	۱۲.۶	۱۲.۶	۴۳.۵	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۱۳.۴	۶.۱	۳۰.۵	۱۳.۱	۲	۲۶.۳	۱۳.۱	۱۳.۱	۳۰.۵	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۲.۷	۵.۶	۴۲.۱	۹.۴	۲	۲۴.۷	۹.۴	۹.۴	۴۲.۱	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۶.۳	۴.۴	۴۱.۵	۱۲.۲	۲	۸.۱	۱۲.۲	۱۲.۲	۴۱.۵	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۴.۳	۳.۹	۳۲.۸	۸.۳	۲	۱۳.۵	۸.۳	۸.۳	۳۲.۸	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۲۸.۵	۱۱.۳	۱۰.۴	۲۶.۵	۳	۱۹.۲	۲۶.۵	۲۶.۵	۱۰.۴	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۱۱.۸	۱۸.۹	۲۵.۰	۷.۵	۳	۲۱.۹	۷.۵	۷.۵	۲۵.۰	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۷.۰	۱۵.۸	۱۲.۲	۱۱.۳	۳	۲۳.۶	۱۱.۳	۱۱.۳	۱۵.۸	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۱۴.۵	۹.۴	۲۰.۴	۱۳.۶	۳	۱۰.۶	۱۳.۶	۱۳.۶	۲۰.۴	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۴.۳	۱۰.۱	۱۹.۱	۶.۶	۳	۲۵.۶	۶.۶	۶.۶	۱۹.۱	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۵.۱	۱۱.۶	۸.۸	۱۲.۷	۳	۲۶.۳	۱۲.۷	۱۲.۷	۸.۸	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۶.۹	۱۶.۲	۱۶.۵	۶.۷	۳	۱۷.۷	۶.۷	۶.۷	۱۶.۵	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۳.۹	۳.۰	۲۲.۹	۶.۶	۳	۲۱.۱	۶.۶	۶.۶	۲۲.۹	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۱۱.۴	۸.۱	۱۷.۷	۷.۱	۳	۱۱.۰	۷.۱	۷.۱	۱۷.۷	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۴.۵	۶.۷	۲۳.۴	۷.۳	۳	۱۰.۵	۷.۳	۷.۳	۲۳.۴	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۴.۱	۱۰.۲	۷.۳	۶.۵	۳	۲۲.۳	۶.۵	۶.۵	۷.۳	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۴.۷	۴.۵	۲۵.۴	۴.۱	۳	۱۱.۴	۴.۱	۴.۱	۲۵.۴	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۲.۵	۳.۱	۲۱.۴	۶.۹	۳	۱۵.۳	۶.۹	۶.۹	۲۱.۴	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۱۱.۷	۶.۱	۱۱.۰	۷.۲	۳	۱۳.۱	۷.۲	۷.۲	۱۱.۰	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳
۳	۳.۰	۱۶.۹	۶.۷	۵.۴	۳	۱۶.۹	۵.۴	۵.۴	۱۶.۹	۳	۲.۱	۴.۴	۹.۳	۲.۳	۲.۳

منابع

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ جامعه شناسی نظم؛ تشریح نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

- Bratton Michael. (1999); Political Participation In A New Democracy. Institutional Considerations from Zambia. Comparative Political Studies, Vol. 32 No. 5, August: 549-588.
- Freitag Markus . (2003); Social Capital In (Dis)similar Democracies The Development Of Generalized Trust In Japan And Switzerland. Comparative Political Studies, Vol. 36 No. 8, October: 936-966.
- Hooghe Marc. (2003); Participation In Voluntary Associations And Value Indicators: The Effect Of Current And Previous Participation Experiences. Nonprofit And Voluntary Sector Quarterly, Vol. 32, No. 1, March: 47-69.
- Inglehart Ronald and Wayne E. Baker. (2000); "Modernization, Cultural Change And The Persistence Of Traditional Values". American Sociological Review. 65:february 19-51.
- Larsen Larissa and et al. (2004); Bonding And Bridging Understanding The Relationship Between Social Capital And Civic Action. Journal Of Planning Education And Research 24:64-77.
- Marschall Melissa J. (2001); Does The Shoe Fit? Testing Models Of Participation For African-american And Latino Involvement In Local Politics. Urban Affairs Review, Vol. 37, No. 2, November 227-248.
- Newton Kenneth. (2001); Trust, Social Capital, Civil Society, And Democracy. International Political Science Review Vol 22, No. 2, 201-214.
- Onyx Jenny And Paul Bullen. (2000); Measuring Social Capital In Five Communities. The Journal Of Applied Behavioral Science, Vol. 36 No. 1, March: 23-42.
- Paxton, Pamela. (2002); Social Capital and Democracy: An Interdependent Relationship. American Sociology Review, Vol.67 April: 254-277.
- Prakash Sanjeev & Per Selle. (2003); Associations, Participation And Government: Linking Local Communities And State Actors In Sustainable Rural Development. WDR 2003 Background Paper.
- Reising Michael D. Et Al. (2002); Social Capital Among Women Offenders Examining The Distribution Of Social Networks And Resources. Journal Of Contemporary Criminal Justice, Vol. 18 No. 2, May: 167-187.
- Rich Paul. (1999); American Voluntarism, Social Capital, And Political Culture. Annals , AAPSS, 565 September: 15-34.
- Schofer Evan And Marion Fourade-gourinchas. (2001); The Structural Contexts Of Civic Engagement: Voluntary Association Membership In Comparative Perspective. American Sociological Review. Vol.66 December: 806-828.
- Smith David Horton and Ce Shen. (2002); The Roots Of Civil Society: A Model Of Voluntary Association Prevalence Applied To Data On Larger Contemporary Nations International Journal of Comparative Sociology, Vol. 43, No. 2, 93-133.
- Ulzurrun Laura Moralesdiez De . (2002); Associational Membership And Social Capital In Comparative Perspective: A Note On The Problems Of Measurement. Politics & Society, Vol. 30 No. 3, September: 497-523.
- Walters William. (2002); Social Capital And Political Sociology: Re-imagining Politics? Sociology. Volume 36(2): 377-397.
- Weisinger Judith Y. And Paul F. Salipante. (2005); A Grounded Theory For Building Ethnically Bridging Social Capital In Voluntary Organizations. Nonprofit And Voluntary Sector Quarterly, Vol. 34, No. 1, March: 29-55.

- Yeung Anne Birgitta. (2004); An Intricate Triangle Religiosity, Volunteering, And Social Capital: The European Perspective, The Case Of Finland. Nonprofit And Voluntary Sector Quarterly, Vol. 33, No. 3, September: 401-422.

